



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

هستند سرشان بیکلاه میماند؟ هر چه هست در صورت وقوع جنگ - و حالا دیگر حتی بدون وقوع جنگ هم - این یک احتمال واقعی و جدی است. هدف سیاسی اصلی این جنگ آمریکا، ربطی به عراق و به کردستان ندارد، چنانکه جنگ خلیج نداشت، ولی جنگ در آن سرزمین حل و فصل میشود و بر آرایش سیاسی و نظامی محل تاثیر مستقیم میگذارد. آرایش جبهه شمالی، نقش دولت ترکیه در این جبهه، نیرو و منافع و مقاصد صریحا اعلام شده این

صفحه ۲

پایان یک دوره

ناسیونالیسم کرد در سرایش سقوط

در جنگ آمریکا علیه

عراق ناسیونالیسم کرد

یک بازنده است.

منطق سیاسی و نظامی جنگ آمریکا در جهت زوال حاکمیت دوازده ساله دو حزب حاکم در کردستان عراق سیر میکند. تناقض به نظر میرسد؟ چگونه در جنگ آمریکا علیه عراق، متحدان چندین ساله آمریکا که اتفاقا بخش مهمی از اپوزیسیون رژیم عراق هم



فاتح شیخ الاسلامی
fateh_sh@yahoo.com

قدری نظامی آمریکا

عبدالله شریفی

صفحه ۳

مصطفی محمدی ربطی به

سازمان زحمتکشان نداشت

صفحه ۴

پرده هائی از

مضحکه انتخابات

شوراهای اسلامی

صفحه ۴



سرمدبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گиро: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۴۱ متر برابر با

۷۴۹۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای پنجشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

بیشتری را به تظاهراتها و مجامع اعتراضی بکشاند. تحولاتی چون به سرانجام رسیدن بخشی از خواستههای کمپین علیه سنگسار، بیداری عمومی و حمایت جهانی از وضع زنان در ایران از جانب خیلی از سازمانهای بینالمللی بخاطر نقض حقوق بشر، سنگسار و اعدام از دیگر نقطه قوتهای

صفحه ۴

مصاف‌های بزرگ پیشاروی امر برابری طلبی

به مناسبت روز جهانی زن

و از طرف دیگر اوضاع اخیر ایران و ضعیفتر شدن هر چه بیشتر این رژیم زن ستیز جنبش زنان را در ۸ مارس امسال قدمها به جلو خواهد برد تا هر چه با شکوهرت و قویتر زنان و مردان

بودیم. سال گذشته مراسمهای ۸ مارس در تهران و شهرهای دیگر ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. در شهر سنندج مراسمهای ۸ مارس با سنتها و ابتکارات نوینی عجین شده است. سنت قطعنامه نویسی از جمله دستاوردهای این دوره‌های تاریخی بوده است. قطعنامه‌های ۸ مارس زنان در سنندج علیه سنگسار، اعدام، حجاب اجباری، آپارتاید جنسی، دفاع از جدایی دین از دولت و برای آزادیهای سیاسی بسیار با اهمیت بودند. این قطعنامه‌ها سریعاً سرزبانها افتاد و حتی اپوزسیون راست هم از موج جنبش برابری طلبانه زنان و مردان در سنندج نمی‌توانست گوش خود را کر کند. سال گذشته همچنین در سنندج چادرهای سیاه را برپه‌ها و خیابانها لگد مال کردند و عابرینی که نفرت خود را از این سمبل بردگی زن نشان میدادند با زنان همبستگی اعلام کردند. دستاوردهای تاکنونی ۸ مارس



هلاله طاهری

halale_taheri@yahoo.com

سوالی از کومه‌له

طبق اخباری که در محافل سیاسی کردستان عراق پخش شده و در خیلی جاهای دیگر از جمله در خارج کشور هم مردم مطلع شده اند، در بهمن ماه سازمان زحمتکشان" به طرف اردوگاه کومه‌له در زرگوئیز آریجی شلیک کرده است. ظاهراً دو طرف در مورد این جریان سکوت کرده اند، در حالیکه انتظار میرفت کومه‌له در این مورد عکس‌العمل نشان دهد.

گویا از این ماجراها قبلاً هم اتفاق افتاده است و این بار هم مردم میپرسند، آیا رهبری کومه‌له توضیحی برای این ماجرا دارد و در مورد صحت یا سقم آن چه میگوید؟ آیا سکوت در این مورد جز تن دادن به ارباب طرف مقابل و نشان دادن مظلومیت معنای دیگری دارد؟ در هر حال کومه‌له لازم است به این سؤال جواب دهد.

یدی کریمی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پایان یک دوره

دولت، فاکتورهای نیرومند پشت این احتمال هستند. تحولات هفته اخیر سریعاً این واقعیت را برجسته کرد که حاکمیت پارتی و یه‌کیتی بر مناطقی از کردستان عراق دستکم در فرم تاکنونی آن رو به پایان می‌رود. پیامدهای این افول حاکمیت، میتواند کل جنبش ناسیونالیسم کرد را با سر به سرآشوب سقوط براند.

آخر و عاقبت سرسپردن این دو حزب و کل جنبش ناسیونالیسم کرد به آمریکا از جنگ خلیج به اینسو، قمار سیاسی ناسیونالیسم کرد در کازینو "نیو ورلد" آمریکا و در ادامه، بخت شدن کنونی ناگزیرشان پشت جنگ آمریکا، فقط موجب مصیبت‌های بیشتر برای مردم کردستان نیست. این هست و البته برگهای سیاه دیگری بر کارنامه ارتجاعی و ضد‌مردمی حاکمیت ناسیونالیسم کرد خواهد افزود. اما علاوه بر این ناسیونالیسم کرد با پای خود به میانه کشمکش و جنگ و جدالی رفته است که در آن بازنده است.

ناسیونالیسم کرد در آخر صف جنگ آمریکا یک جنگ امپریالیستی، یک قلندری میلیتاریستی با هدف تحمیل آقایی خود بر جهان و بررقیبان قدرت خود است. به این معنی واضح است که منافع امپریالیستی آمریکا در در ردیف اول است. در ردیف دوم در منطقه اسرائیل و ترکیه و منافع شوینستی آنهاست، در ردیف بعد اپوزیسیون عراقی نوکر آمریکا، چلبی‌ها، مکیه‌ها، سامرای‌ها و خزرجی‌ها صف کشیده‌اند، سپس اسلاميون الدعوه و در آخر صف، احزاب ناسیونالیست کرد دست بر ناف ایستاده‌اند. (فعلاً منافع مشترک در دفاع از قدرت محلی شان در برابر تهدید دولت ترکیه و سرسپردگان آمریکا در ترتیبات مرکزی آتی عراق آنها را به هم چسبانده است، شیرتوشیر

شدن اوضاع کی دوباره آنها را شاخ به شاخ میکند معلوم نیست ولی از نظر کسی که موقعیت طبقاتی و سیاسی شان را بشناسد بهیچوجه منتفی هم نیست.) در این گیرودار دولت ترکیه، قبل از دولت مرکزی عراق مدعی خلع قدرت و خلع سلاح این دو حزب شده است و تا اوکی این سیاست خود و اوکی اشغال نظامی موصل و کرکوک و هر جا که در منطقه کردستان عراق بخواهد را از آمریکا نگرفت، با استفاده آمریکا از جبهه خود علیه عراق توافق نکرد.

کنفرانس نمایندگان "اپوزیسیون عراق" منتصب کنفرانس لندن از دو روز پیش در صلاح الدین، قرارگاه مسعود بارزانی، زیر نظر زلمای خلیل زاد برپاست. طنز اینکه این کنفرانس را که ظاهراً درباره آینده عراق است مسعود بارزانی افتتاح کرد، اما قبل از کنفرانس و در اثنای آن آینده حاکمیت محلی او و جلال طالبانی در توافقات آمریکا و ترکیه تعیین شده و عملاً زیر پایشان خالی شده است. تازه ترین سخنان بوش در مورد "آینده عراق بعد از صدام" که همزمان با برگزاری این کنفرانس و در ارتباط با آن ایراد شد جز کلام کلی درباره بردن "دمکراسی" به عراق و حفظ چاههای نفت برای "صاحبان آن" حرف مشخصی در بر نداشت. جای حرف مشخص ملاقات‌های پنهان با ترکیه و با عناصری مانند مکیه است که از بالای سر مردم و حتی اپوزیسیون به "بازی" گرفته شده، ترتیبات حضور نظامی و سیاسی امپریالیستی آمریکا و متحد درجه اولش ترکیه، ابتدا در دو جبهه شمال و جنوب و سپس در مرکز عراق تأمین شود. در این میان سرنوشت حاکمیت دو حزب

ناسیونالیست تابعی از توافقات انجام شده با ترکیه و مد حضور نظامی ترکیه در کردستان عراق است.

در کشمکش "منافع ملی" آمریکا و دولت ترکیه و دولت مرکزی عراق با حاکمیت دو حزب ناسیونالیست، واضح است که این دو حزب بازنده خواهند بود. بویژه اینکه با حاکمیت دوازده ساله شان نفرت مردم کردستان علیه خود را انباشته‌اند و حمایت توهم آمیزشان را به درجات زیادی از دست داده‌اند. پشتشان از جانب جامعه کردستان خالی است.

موقعیت مشخص ناسیونالیسم کرد

"طنز تاریخ" برای تعبیر از کوفته بینی احزاب و جریان‌ات ناسیونالیست کرد گویا نیست. جنبش ناسیونالیسم کرد جنبش طبقات تاریخاً منقرض جامعه کردستان است. این جنبش چه از نظر نیروی محرکه و ترکیب طبقاتی آن و چه از نظر موقعیت سیاسی و تاکتیکی آن در میان سه دولت، از نوع ناسیونالیسم‌های بسیار عقبمانده جهان معاصر ماست. خصوصیات ناسیونالیسم کرد، در دوره تاریخی اخیر از جنگ خلیج به اینسو، از نظر عقیماندگی سیاسی و فکری و فرهنگی و زمختی ارتجاع و استبداد نظامی - عشیره‌ای، هرچه جلوتر آمده به دولتها و ترندهای ناسیونالیستی موجود حاکم و غیرحاکم این سه کشور شباهت بیشتر یافته است. سالها پیش من در نشریه انترناسیونال نوشتم "جنبش ملی کرد، جنبش موسوم به "گورداییتی" یک جنبش آزادیخواهانه نبوده و نیست. در هیچ مقطعی نشانی از ترقیخواهی و یا کمک به پیشرفت مناسبات نوین اقتصادی و اجتماعی در آن نمیتوان یافت. آنچه به این جنبش ظاهری بناحق

مترقی و حق طلبانه داده، سرکوب قهرآمیز آن توسط دولتهای سرکوبگر بوده است. جنبش ملی کرد تاریخاً جنبش طبقات استثمارگر کردستان برای استقرار حاکمیت طبقاتی خود یا سهم شدن در قدرت حاکم بمنظور گرفتن سهم بیشتری از حاصل بهره‌کشی از طبقات فرودست جامعه کردستان بوده است." (انترناسیونال ۱۹ آذر ۱۳۷۴)

امروز تجربه مستقیم مردم از حاکمیت دو حزب ناسیونالیست کرد این واقعیت را قویتر از هر استدلالی اثبات کرده است.

حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق در دوره دوازده سال گذشته یک حاکمیت طبقاتی عریان، یک حاکمیت بورژوا-عشیره‌ای آشکارا ارتجاعی و ضد‌مردمی بوده است: حاکمیت اقلیت انگل و استثمارگر جامعه بر اکثریت عظیم جامعه، بر توده وسیع کارگر و زحمتکش و افشار محروم. در کنار بچاپ بچاپ مافیای مسلح و بوروکرات در راس دو حزب حاکم که سریعاً قصر و قصور و راسته بازار و آلف و الوف بهم زده‌اند، قشر تازه‌تجار و سرمایه‌داران و قشر کهنه‌روسای عشایر که با اتکا به دستجات مسلح و جایگاه محکم در دو حزب حاکم بر خوان سلطه احیا شده‌شان نشسته‌اند، دست در دست هم شیره جان توده کارکن و زحمتکش را کشیده‌اند و سهم سیزده درصدی از پروژ "غذا در ازای نفت" سازمان ملل را بالا کشیده‌اند. از نظر سیاسی دو حکومت سلیمانیه و اربیل علناً الگوی سلسله مراتب عشیره‌ای دو حزب حاکم بوده‌اند و هیچ شباهتی به نهادهای امروزی تحمیل حاکمیت بورژوازی بر مردم نداشته‌اند. منشا قدرت این دو حکومت در درجه اول وابستگی شان به سیاست آمریکا و بر این مینا حرکتشان در شکاف دولتهای منطقه و در درجه دوم نیروی

مسلح حرفه‌ای شان بوده است. اینها دولت نیستند، دارودسته‌های مسلح حاکم بر جغرافیایی هستند که از نظر سیاست منطقه‌ای آمریکا و از نظر دولتهای منطقه و از جمله دولت مرکزی عراق از جنگ خلیج به اینسو در وضعیت سیاسی معلق و موقتی بوده‌اند و هنوز تعیین تکلیف نشده‌اند.

موقعیت رو به زوال ناسیونالیسم کرد در کشمکش قدرتی که ماشه آن حتی قبل از شروع رسمی جنگ آمریکا کشیده شده است، و کارنامه سیاه حاکمیت شان از نظر مردم، این جنبش را به سرآشوب سقوط خواهد راند. بویژه که برخلاف دوره‌های قبلی بحران و سقوط ناسیونالیسم کرد، مانند سال ۱۹۷۵ که مردم کردستان بدیل سیاسی دیگری برای انتخاب در برابر خود نمیدیدند، امروز کمونیسم کارگری یک نیروی سیاسی بانفوذ و معتبر و یک انتخاب واقعی برای مردمی است که روز به روز از توهم ناسیونالیسم می‌برند و به جبهه مبارزه کمونیستی و طبقاتی و رادیکال میپیوندند. دوران ناسیونالیسم کرد به پایان میرسد. برای کمونیسم کارگری این یک مقطع تعیین‌کننده در صحنه سیاسی کردستان است.

یک دنیای
بهتر،
برنامه حزب
گمونیست
کارگری
را بخوانید!

قدری نظامی آمریکا و دلقک بازی ناسیونالیسم کرد



عبدالله شریفی

است) شده است. نقدا خبر استقرار ارتش ترکیه در (چارقورنه) و در مرز (زاخو)، و استقرار سپاه بدر در (دریندیخان) معلوم است. در این میان جایگاه ناسیونالیسم کرد در این "جنگ" نیز از معلومات قضیه است نه مجهولات. به عبارت دیگر جنبش کردایی با احزاب و با ادیب و نویسنده و شاعرش، با دستگاه تبلیغ و نیروی مسلح و عشایرش، در گوشه ای به تمامی در خدمت اجرای این جنگ قرار دارد. دیگر سوال این نیست که ناسیونالیسم کرد کجای تصویر این جنگ قرار گرفته است، چون جواب به این سوال سخت نیست. احتیاج به مباحث کشف ثوریک ندارد. برای کسی که ریگی به کفش نداشته باشد و هنوز ذره ای به فکر منافع مردم و جامعه باشد، با نگاهی مختصر به اوضاع خواهد فهمید که ناسیونالیسم کرد بخشی از جنگ علیه مردم عراق است. نمیشود از جنگ و کشتار در عراق گفت و ناسیونالیسم کرد را قلم گرفت. تحرکات سیاسی روزانه این احزاب را، فعالیت فعالین این جنبش را، پروپاگند و تبلیغ این جریان را، ترافیک خط تهران - آنکارا - لندن رهبران را نگاه کنید، خود گویاتر از هر استدلالی صحت این ادعا را به شما میگوید. از هر سو که به منظره پر از توحش این "جنگ" نگاه کنی، در گوشه ای از این منظره اگر چه در بعد محلی و منطقه ای اما سرو کله شان پیدا است. اگر سوالی باشد این است که آینده این جنبش کجا میرود؟ چه سرنوشتی در انتظار این جریانات است؟ مردم کردستان عراق با تجربه پر مشقت زندگی ۱۲ سال اخیر بهتر از هر ناظری میدانند که احزاب کردی - اسلامی محصول جنگ خلیج و دست نشاندگی غرب بر وضعیت معلق کردستان

عراق هستند. این مدت با قره نوکری ترکیه و ایران، با دیکته میت و اطلاعات جمهوری اسلامی، با سفارش ماموران درجه چندم پنتاگون و سیا و کنگره آمریکا، با دستور فلان ژنرال بازنشسته بریتانیا، با نامه و پیغام و پسغام بلر راست و چپ شده اند. اگر این سالها، سالهای رویایی و پول پارو کردن سران احزاب ناسیونالیست فقر و فلاکت و آوارگی و بیخانمانی مردم کردستان عراق نیز بود. در این سالها این احزاب به ضد انسانی ترین شیوه از مردم کردستان عراق کفاره مال اندوزی خود را گرفته اند. قتل ناموسی، ترور زنان، کشتن کمونیستها و مخالفین، بی حقوقی محض، فقر و اشاعه سنتهای عشیره ای، اشاعه فرهنگ منحن قوم پرستی، رشد ارتجاع مذهبی گوشه ای از افتخارات این دارو دسته به شمار میرود، از خادمی خود مفتخرند، و الحق مضایقه هم نکرده اند، آنچه در این راه در "طبق اخلاص" داشتند، نثار کردند. اینها خود محصول جنگ خلیج و معادلات "نظم نوین" جهانی بعد از جنگ سرد هستند. و این هویت خود را روزانه بازتولید کرده اند. این موقعیت برای زعمای قوم نهایت آرزو است. حفظ این موقعیت اکنون استراتژی و تاکتیک آنها است. جریانات ناسیونالیستی کرد بی ربط به منافع مردم این جغرافیای معین، در فکر حراست این تیولداری هستند. برسر مردم چه می آید برای آنها اهمیتی ندارد. جنگ مردم را خانه خراب میکند، به اینها چه مربوط است؟ مردم عراق کشتار میشوند، چه باک؟ مگر نه به زعم اینها همه بعثی هستند؟ مگر نه همه عرب هستند؟!!!! مدتی قبل سران پارتی و یکیتی از جمله جلال طالبانی به ترکیه فراخوانده شدند تا از طریق زولمای خلیل زاد نماینده بوش و ژنرالهای ترکیه شیر فهم شوند که در صورت حمله نباید پا از گلیم خود فراتر بگذارند. نباید در فکر کرکوک و جلال طالبانی در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد که به دولت "برادر" ترکیه قول داده اند که از مسله کرکوک صرف نظر کنند. او

افزود مسله کرکوک برای دولت "برادر" ترکیه حساسیت خاصی دارد و ما این حساسیت را به رسمیت می شناسیم... متعاقبا هوشیار زیبایی یکی از سران پارتی در کنفرانس مطبوعاتی که متن آن در روزنامه برایتی ۲۴ فوریه چاپ شده است، لشکر کشی ارتش ترکیه را در ترکیبی عوامفریبانه از تمجید و هراس، "خطرناک" نامید و از احتمال رویدادن کشمکش نظامی گفت. همزمان پارتی به همراهی ۲۲ حزب و جریان ناسیونالیستی (غیر از جریان تحت هدایت جلال طالبانی) بیابنه ای خطاب به سازمان ملل صادر کردند که در آن حضور لشکر ترکیه به کردستان عراق را غیرضروری توصیف کردند و هم چنین لشکر کشی ترکیه را برای درگیریهای نظامی تهدیدآمیز دانستند. همزمان با این، فراکسیون کردهای مجلس اسلامی ایران طی نامه ای به کوفی عنان و خاتمی به حضور ارتش ترکیه اعتراض کردند. این خیمه شب بازی را ببینید. همین جریانات را در سال ۹۱ بیاد بیاورید، که از "حاجی" بوش، پدر ناجی "ملت" کرد ساختند و بعد از چندی از "خیانت آمریکا به کردها" شکوه سر دادند! گفتند که "در برابر حمله دیکتاتور حفاظت نشدند" مدتی سپری نشده بود که جفت جفت در آستانه دیکتاتور از بغداد سر در آوردند و ماچ و بوسه رد و بدل کردند و شعور و احساسات مردم متنفر از رژیم صدام را در سراسر جهان به ریشخند گرفتند. آیا بعید است که در فردای جنگ و کشتار باز همین حضرات که هم اکنون از پاول و رامسفلد برای شروع این نسل کشی بیشتر عجله دارند، برگردند و صفحه روضه خوانی "خیانت آمریکا به کردها" را از نو برای مردم بگذارند؟! البته دخالت ترکیه و ایران در کردستان عراق تازگی ندارد و اعتراض اینها به حضور ارتش ترکیه نیست. خودشان میدانند که آمریکا گوشش به این "اعتراض" ها بدهکار نیست. آمریکا قصد دارد با توحش و نظامی و کشتار مردم عراق،

ژاپن را به زانو در آورد. می خواهد فرانسه را به تمکین بکشاند. می خواهد به آلمان درس بدهد. می خواهد قواعد سیاسی و ایدئولوژی "نظم نوین" را از عراق بر جویبار خون این مردم به دنیا سرازیر کند. هدف آمریکا پرداختن به تناقضات جهان سرمایه داری بعد از جنگ سرد است. این غرولند نزد آمریکا محلی از اعراب ندارد. نگرانی احزاب ناسیونال عشایر کرد از آینده خودشان است. نگران از دست رفتن موقعیت کنونی شان هستند. در هر حالت بنظر میرسد این موقعیت دگرگون شود. احزاب ناسیونالیست در هر صورت بازنده هستند. حتی رویای مشارکت درحاکمیت آینده عراق با توجه به طرح آمریکا، به کنفرانس چیان لندن هم روا داشته نمیشود. بازیگران سناریوی سپاه، برای دور دیگر به جان هم خواهند افتاد. تناقضات دور و نزدیک دهن باز میکنند. جامعه را بیشتر از این به تباهی میکشند. ترکیه و ایران، غرب و دول عربی، اروپا و هر دولتی که دستش برسد، باندهای مسلح و مافیایی ساز میدهند و به میدان روانه میکنند. از همین حالا چند دستگی جریانات قومی و مذهبی مستقل از ادعای خودشان، مشهود است. از همین حالا زمینه جنگهای قومی و مذهبی آماده است.

مردم کردستان، توهم ناسیونالیستی را با تحمل فلاکت چندین ساله ازدست داده اند. آینده میتواند و باید دوره دخالت مردم باشد. آینده میتواند دوره عروج رادیکالیسم جامعه باشد. مردم ناچارا برای رهایی از سیه روزی به میدان خواهند آمد. دخالت مردم در صحنه سیاست میدان مانور این جریانات ارتجاعی را محدود میکند. سمپاتی افکار عمومی جهان به مردم عراق و کردستان از همیشه امکان دخالت مستقیم مردم در سرنوشت خود را ممکن ساخته است. این نیرو باید برای نجات خود و آینده خود، برای نجات جامعه و تمدن به میدان آید.

۲۴ فوریه ۲۰۰۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مصاف‌های بزرگ... (از صفحه اول)

جنبش آمادگی برای ۸ مارس است. امسال در آستانه روز جهانی زن، سازمان آزادی زن در ایران تاسیس شد. این سازمان با پلانفرم روشن خود برای آزادی و خوشبختی زنان از جمله برابری کامل حقوق زن و مرد؛ لغو قوانین تبعیض آمیز بویژه قوانین مربوط به زوایای مختلف حقوق مدنی زنان در خانواده، ازدواج، طلاق، و سرپرستی اطفال؛ لغو حجاب اجباری، و آزادی پوشش؛ لغو کامل جدا سازیها؛ برخورداری از امکانات مساوی در آموزش، اشتغال، ورزش و امور فرهنگی؛ جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش به عنوان ابزار تشکل و تجمع نیرو و اراده جمعی و ظرف مناسبی در دسترس امر برابری طلبی و در جهت سراسری کردن اهداف مشترک قرار گرفته است.

همانگونه که در آستانه روز جهانی زن شما با ابتکار راهبیمستی و تظاهرات مبارزه علیه اعتیاد و در حمایت از کودکان خیابانی در ابعاد هزاران نفره و در صفوف متحد با مردان به مصاف جمهوری اسلامی رفتید، میتوان با حرکات بزرگتر و وسیعتر خود راه را برای یک ۸ مارس با شکوه با شعار لغو جداسازی و لغو حجاب اجباری آماده کنید. حرکتهای بزرگ تظاهرات و راهپیمایی اخیر به این واقعیت اشاره دارد که قدرت عظیم و بیدار شده و به میدان آمده زنان و مردان دخالتگر در سرنوشت خود و مردم جامعه و آماده برای تغییر وضع موجود میتوانند قدمها جمهوری اسلامی را به لانه‌هایشان بخزند و مرگشان را نزدیکتر کند. روز جهانی زن میتواند به چنین روزی تبدیل گردد. روز نه به حجاب اجباری، نه به آپارتاید جنسی و روز پیوستن به سازمان آزادی زن روز اعتراض به تدارک کشتار مردم و میلیتاریسم آمریکا!

پرده هائی از نمایش مضحکه انتخابات شوراهای اسلامی

دوست عزیز از **سندج** در باره انتخابات شوراهای اسلامی از جمله چنین نوشته است: هر کس که برای انتخابات تبلیغ کنه مورد انتقاد و حتی تمسخر قرار میگیره. جوانهایی که برای کاندیداها عکس پخش میکنند و تو مراکز انتخاباتی هستند همه با دید ترحم بهشون نگاه میکنند که طفلکیها چکار

مصطفی محمدی، انسان آزاده و آگاه ربطی به سازمان زحمتکشان نداشت

هفته گذشته خبر درگذشت نابهنگام مصطفی محمدی چهره آشنا و محبوب مردم کامیاران را به اطلاع رساندیم و در مورد اهداف انسانی و سیاسی این انسان آزاده و مراسم بزرگداشتی که به یاد وی و با حضور پنج هزار نفر برگزار شد، افکار عمومی را در جریان قرار دادیم.

سازمان زحمتکشان در خبرنامه شماره ۱۰۲ خود این انسان آزاده و آگاه را به خود منتسب کرده است. ما اعلام میکنیم این ادعای سازمان زحمتکشان جعل است. مصطفی محمدی به روشنی علیه اهداف و سیاست سازمان زحمتکشان و به سهم خودش از افشا کنندگان ماهیت ناسیونالیستی و ارتجاعی این سازمان بود. وی یکی از مبارزینی بود که تا آخرین لحظه زندگی‌اش علیه سرمایه‌داری، علیه مذهب

و نابرابریهای اجتماعی، علیه فرهنگ عقب مانده، علیه ناسیونالیسم و فدرالیسم و علیه قومپرستی و در دفاع از حقوق و حرمت انسان مبارزه کرد. بر خلاف ادعای جعلی سازمان زحمتکشان در مراسم یاد بود این عزیز، بر پرچم سرخی که به اهتزاز در آمده بود شعار واضحی حک شده بود که علیه کل بنیادهای فدرالیستی و قومپرستی گروه نامبرده است.

نوشته بودند: "مصطفی قلبش از تپش افتاد اما راه سرخش ادامه دارد." و یا "درگذشت جوان آگاه، آزاده و انسان دوست را به همه مردم تسلیت میگوییم" بنیادهای فکری مصطفی انسانیت، برابری و آزادی بود نه فدرالیسم و قومیت آنچنانکه جریان زحمتکشان بر مبنای آن شکل گرفته است.

این اولین بار نیست که جریان رسوای سازمان زحمتکشان به این اقدامات اهزنانه روی میآورد. همین چند روز قبل، تظاهرات جریانات دیگر در فرانکفورت آلمان را در اعتراض به اعدام ساسان آل کنعان به خود منتسب کردند و بعد از اعتراض فعالین آن تظاهرات ناچار به معذرت خواهی شدند. از گروهی که با غصب نام کومهله و جعل سابقه تاریخی و در اقدامی کودتا گرانه و با پول و امکانات "جلال طالبانی" پا گرفت بیش از این انتظاری نیست. قبلا و بارها در مورد ماهیت و کارکرد این باند هشدار داده‌ایم.

ما افکار عمومی و سازمانهای سیاسی را فرا میخوانیم چنین اقدامات و جعلیات این سازمان را رسوا و افشاء کنند. این اقدامات فقط از یک جریان غیر مسئول و بی ریشه بر میآید.

دبیرخانه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فوریه ۲۰۰۳

نمایشهای مسخره را انتخابات و "مشارکت" مردم لقب داده اند. □

بزرگیها مالی این کار به نفعمونه. تبلیغات کاندیداها هم خنده دار و کمیکه یکی شون که اسمش جباره توی تبلیغاتش نوشته: منم جبار، خسته از شعار، صادق در گفتار!!

انتخابات شوراهای اسلامی و آنچه که شیفتگان دوخردادی دوست دارند "تمرین مردم سالاری اسلامی" بنامند، به معنی واقعی جنبه کمدی پیدا کرده است. به این دو "کمپین" دمکراسی اسلامی توجه کنید:

در **تهران** فردی به نام کاظمی در کنار عکس آفیش انتخاباتی اش نوشته است:

تک دلآوری از قوم لکم در میان ۲۲۰ کاندید تکم نیروهای "ائتلاف" از کربلای رحیم کاظمی که در آفیش آمده است از جمله اینها هستند: - جمعی از بزرگیهای چال

مالی این کار به نفعمونه. تبلیغات کاندیداها هم خنده دار و کمیکه یکی شون که اسمش جباره توی تبلیغاتش نوشته: منم جبار، خسته از شعار، صادق در گفتار!!

حزب کمونیست

کارگری را از نظر

مالی کمک کنید!

کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است